

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

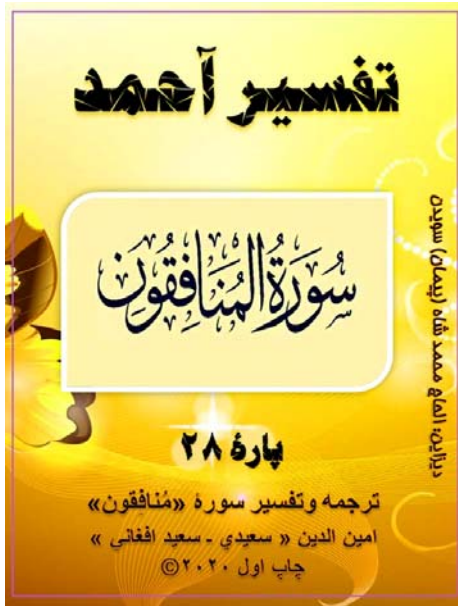
Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»
۰۷ اکتوبر ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة مُنَافِقُونَ - ۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشننده و مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ
لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱)

چون منافقان نزد تو آیند گویند شهادت می دهیم که تو واقعاً پیامبر
خدائی و الله [هم] می داند که تو واقعاً پیامبر او هستی و الله گواهی
می دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند (۱)

از فحوی آیت مبارکه و به خصوص جمله « قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ
اللَّهِ » معلوم می شود که منافق، از کلمه حق و حقیقت مانند عادت
دایمی و همیشگی خویش استفاده باطل می کند. طوری که تاکتیک
و شیوه های چرب زبانی و چاپلوسی، از جمله شیوه های دایمی منافقان
است.

منافق در آیت فوق الذکر به ادای قسم از جمله «نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ» کوشش به عمل می آورد که کلام خویش را به
قسم توأم بسازد، تا مخاطب خویش را به کلام و سخن منافقانه خویش باورمند بسازد. بناءً نباید به سخن منافقانه شخص
منافق اعتماد و باور کنیم. تلاش و کوشش اعظمی شود که نه تنها شیوه نفاق منافقان را بلکه هویت شخص منافق رسوا
ساخته شود. زیرا اشخاص منافق کاذبان و دروغگویان هستند، طوری که پروردگار با عظمت ما در آیت فوق فرموده
است: «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»، منافقین خلاف اعتقاد، سخن به زبان می آورند، قابل دقت است که ایمان
واقعی، همانا اعتقاد قلبی است نه اقرار زبانی.

نفاق چیست؟

نفاق، ادعای خوب بودن و درستکاری از طرف انسانهای نادرست و نابکار است. نفاق میوه و ثمره کفر است و کفر به معنای پنهان کردن حقایق و وارونه جلوه دادن آنست. منافق در ظاهر مسلمان و در باطن کافر است. در حقیقت نفاق یکی از نشانه‌های کفر در دل است.

نفاق از اعمال کسانی است که به زبان ادعای ایمان و صداقت در اقوال و افعال را می‌کنند، اما در قلب حقایق را پنهان کرده و با خودشان صادق نیستند.

خواننده محترم !

در روز قیامت بدترین مردم انسان های دو رو و منافق صفت هستند، انسانهایی که در هیچ وقت و در هیچ حالت دارای موضع واحد صادق نمی باشند. در بخاری و مسلم حدیثی داریم که از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است؛ که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تَجِدُونَ شَرَّ النَّاسِ ذَا الْوَجْهَيْنِ الَّذِي يَأْتِي هُوَ لَاءِ بَوَّجِهٍ وَيَأْتِي هُوَ لَاءِ بَوَّجِهٍ» (مشکوٰۃ المصابیح: شماره ۴۸۲۰). (بدترین مردم روز قیامت کسانی را می یابید که دو رو و منافق صفت هستند. با هرکس به چهره مبدل شده رو به رو می گردند) مانند گل آفتاب پرست که در صبح و عصر تغییر جهت می کند. در برخی از روایات آمده است که این گونه انسانها در روز قیامت زبان آتشین دارند. بخاری، ابو داوود، دارمی و ابولعلی از یاسر بن عمار روایت می کنند که، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ كَانَ لَهُ وَجْهَانِ فِي الدُّنْيَا كَانَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ». (سلسله احادیث الصحیحة: ۸۹۲). (هرکس در دنیا دارای دو چهره باشد، در روز قیامت زبانی از آتش در دهانش گذاشته می شود).

بنابراین منافقان از ایمان و دین به عنوان ابزار و وسیله استفاده به عمل می آورند. تعبیر به این که آنان شهادت به رسالت و توحید را تنها برای وسیله و سپر اختیار نموده اند، نشان می دهد که منافقان در جامعه احساس خطر می کردند و برای این که خود را در سنگر با امن قرار دهند و از اضرار و آسیب های احتمالی از سوی دین و دینداران در امان بمانند به شهادتین روی آورده و اقرار به اسلام کردند.

در حقیقت طوری که یاد آور شدیم منافقان دین را به حیث ابزار و وسیله برای مصون ماندن از مؤمنان و جامعه ایمانی به کار می برند. به همین دلیل گفته شد که نفاق زمانی در جامعه شکل می گیرد که اسلام و ایمان در قدرت باشند و کافران برای رهائی از فشارهای قدرت اسلام به دین روی می آورند تا در پناه آن خود را از هرگونه گزند حفظ کنند. طوری که در (آیت ۱۶ سوره مجادله) به همین مسأله اشاره به عمل آمده و تحلیل می کند که علت روآوری منافقان در جامعه ایمانی به ایمان و اسلام تنها ترس است و برای حفظ خویش سپر و زره اسلام را برتن کرده اند تا با آن از آسیب های اجتماعی در امان بمانند.

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

قسم های خود را [چون] سپری بر خود گرفته و [مردم را] از راه الله منع کردند، البته بد است آنچه آنها می کنند. (۲) «جُنَّةً»: سپر که انسان خود را توسط آن از تیر دشمن نگاه می دارد. (ملاحظه شود: سوره: مجادله). «صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»: (وملاحظه شود سوره: نساء ، توبه ، نحل).

طوری که در فوق هم یاد آور شدیم: منافق در اصطلاحات قرآنی به شخصی اطلاق می شود که به ظاهر مسلمان باشد و در باطن فاقد ایمان یعنی ایمان نداشته بلکه تظاهر به اسلام و دین داری می کند و تنها برای دست یابی به موقعیت های اجتماعی و بهره گیری از منافع دنیوی دین داری و یا فرار از مجازات و یا این که از کشتن نجات یابد به اسلام روی می آورد و شهادتین را ادا می کند. بنا براین نفاق پدیده سیاسی و اجتماعی باحضور قوی مصلحت گرایی و منفعت گرایی دنیوی است.

سوء استفاده از مقدّسات دینی یکی از وسایل و شیوه های تاکتیکی منافقان در شیوه کارشان به حساب می رود طوری که جمله «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً» مبین این حقیقت است. آنان همیشه کوشش می کنند، که از دین علیه دین استفاده به عمل آرند. و بدین ترتیب همه کوشش شان در این است که: «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» تا بدینوسیله دیگران را از هدایت الهی محروم سازند. هدف منافقان، همانا بستن راه الله است و نباید فراموش کرد که هدف نهائی منافق به کفر می انجامد. جریان نفاق، از خطرناکترین جریانهای رایج در جامعه اسلامی است. عمل کرد منافقان در نظر قرآن عظیم الشان از عمل کرد کفار هم بدتر شمرده شده اند و مؤمنان ترغیب شده اند که جریان نفاق را شناخته و در برابر آن هوشیار، آگاه و با تدبیر موضع گرفته، علیه آن مبارزه جدی به عمل آرند.

نباید فراموش کرد که نفاق و دورویی پدیده ایست که در هنگام حکومت و حاکمیت اسلام پدید می آید. این اصطلاحی است که در دوره قدرت اسلام در مدینه منوره بعد از تأسیس اولین پایه های حکومت اسلامی، ظهور کرد. قابل توجه و دقت است که هر شخص را نمی توان متهم به نفاق کرد و یا به اتهامی از دایره اسلام وی را بیرون راند. بنابر همین منطقی است که چگونگی تعامل با منافقان دشوار است. این دشواری به جهت عدم امکان شناسائی آنان است؛ زیرا منافقان هرگز به طور آشکار و علنی کفر خویش را آشکار نمی کنند و همواره بر ایمان بلکه شدت ایمان خویش تأکید می ورزند. بنابراین کسانی که به طور آشکار و علنی با دین اسلام مخالفت می ورزند هرچند که در جامعه اسلامی زندگی می کنند منافق نیستند بلکه کافر و مشرک می باشند.

خواننده محترم !

تنها راه شناسائی و درگیری منافقان دقت و تأمل در رفتارها و گرایش های آنان است که با اصول اسلامی و ایمانی در تضاد است.

قرآن عظیم الشان در سوره بقره به تحلیل رفتارها و عملکردها و حتی عقاید ایشان می پردازد تا مؤمنان نسبت به منافقان و جریان نفاق با آگاهی و اطلاع بیشتری برخورد کنند و از اضرار و آسیب های جدی و خطرناک آن ها خود و جامعه ایمانی را حفظ کنند؛ طوری که در فوق هم یاد آور شدیم جریان نفاق به جهت دوگانگی و دورویی بدتر از کافران و مشرکان هستند و ضربه هائی که ایشان به جامعه و ایمان مردم وارد می سازند سخت تر و جانکاه تر است. از این رو خداوند نفاق را کفر خطرناکی ارزیابی می کند که از درون جامعه بر آن خنجر وارد می سازد و به همین دلیل شدت تهدید خداوند نسبت به آنان بیشتر از تهدید کافران است. الله تعالی می فرماید که منافقان به جهت کفر نفاق خویش در پائین ترین درجات دوزخ خواهند بود و درک الاسفل مکانی است که خداوند برای منافقان فراهم نموده است.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳)

این (نفاق) به آن خاطر است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته اند و در نتیجه بر دلهایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی فهمند. (۳)

اگر مبحث منافقان را در سراسر قرآن عظیم الشان با دقت مطالعه نمائیم با وضاحت تام در خواهیم یافت که منافق در هر جای و هر موضع مبحث نفاق خویش را مطرح می سازد.

قرآن عظیم الشان هم در بخشی که موضوع منافق مطرح می شود، آن را با تعبیر تند و زننده مورد استعمال قرار داده است از جمله: (در آیت ۱۶ سوره محمد) می خوانیم:

«طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» «الله تعالی بر قلب های آنان مهر زده است؛ و یا می فرماید: «لَا يَفْقَهُونَ» (آنان شناخت ندارند) (سوره منافقون، ۳) «لَا يَعْلَمُونَ» (سوره توبه، ۹۳) (آنان نمی دانند) «لَكَذِبُونَ» آنان دروغ می گویند (منافقون، ۱) «مَا يَسْئُرُونَ» آنان درك ندارند؛ (بقره، ۹) «الْمُفْسِدُونَ» فسادگرند؛ «بقره، ۱۲» «فِي طُعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» در سرکشی

خود سر درگمند؛ «بقره ۱۵» «ما کائوا مُهْتَدِينَ» آنان هدایت یافته نیستند؛ «بقره ۱۶» «لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» خداوند هرگز آنان را نمی بخشد. (سوره انفال، ۳۶)

منافقان کوشش به عمل می آورند که از هر وسیله واز هر ذریعه استفاده کنند تا وحدت مسلمان را به خطر مواجه سازند، از جمله این دسایس وفعالیت های منافقانه می توان از اعمار مسجد ضرار در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم در مدینه مثال خوبی برای شناخت هویت به اصطلاح اسلامی منافقان شده می تواند .

منافق و پدیده نفاق چرا اینقدر خطرناک است؟

در جواب باید گفت: دشمن هویت و عملکردش معلوم است، و با تمام وضاحت اعلام دشمنی می کند، و منافق از جمله دشمنی است که شناخت وی کاری ساده و آسانی نیست. زیرا منافق با چهره دوست ظاهر می شود و همیشه از پشت خنجر می زند، منافق نسبت به سایرین مصروف تظاهر دینی است، بناءً نقش تخریبی اش برای جامعه به مراتب بدتر و بیشتر است.

توجه خوانندگان را به آیات اول سوره بقره که در آن فورمول قوی مردم شناسی جمع بندی شده است جلب می دارم: در آیات چهارگانه سوره بقره، آیت های (۲ و ۳ و ۴ و ۵) به تعریف و معرفی متقیان پرداخته است . همچنان در دو آیت (آیت ۶ و آیت ۷) به معرفی کافران پرداخته است ، ولی برای شناخت منافقان ۱۳ آیت دیگر در سوره بقره اختصاص یافته است. زیرا تعریف و شناخت شخصیت منافق بی نهایت پیچیده و یغرنج می باشد . قابل دقت است که هم شخصیت منافق و هم عملکرد منافق ضرورت به توضیحات بیشتر و همه جانبه دارد، زیرا شخصیت منافق، طوری که یاد آور شدیم شخصیت پیچیده، مغلق و خطرناکی است .

در قرآن عظیم الشان منافق به دوشکل معرفی شده است :

اول : عده ای که اصلاً ایمان ندارند و به اصطلاح عوام الناس به نرخ روز نان می خورند و هر روز چهره عوض می کنند و این یک نوع نفاق است.

دوم : نفاق عملی: کسی که اعتقاد به الله جل جلاله و پیامبر صلی الله علیه وسلم دارد ولی در بین عمل و فکرش تفاوت آسمان تا زمین دیده می شود. همیشه حرف می زند، قول می دهد ولی به قول و حرف خویش عمل نمی کند. قرآن عظیم الشان در (آیت ۱۰ سوره بقره) می فرماید : «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (درقلب های ایشان مرض (جهل و عناد) است .

بناءً باید گفت که نفاق، يك مرض روحی است و منافق یک مریضی است. همانطور که مریض ، نه سالم است و نه مرده، منافق هم نه مؤمن است و نه کافر.

جمله «لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بما کائوا یَکْذِبُونَ» (آیت ۱۰ سوره بقره) چه زیبا فرموده است:

زمینه های عزت و سقوط را، خود انسان در خود به وجود می آورد.

مفسرین در تفسیر جمله «فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (آیه ۱۰ سوره بقره) می نویسند :

داستان منافق، به لاشه مردار و بد بو می ماند که در ذخیره آب افتاده باشد. هر چه آب در آن بیشتر وارد شود، فسادش بیشتر شده و بوی تعفن و کثیفش افزایش می یابد. نفاق، همچون مرداری است که اگر در روح و قلب انسان باقی بماند، هر آیت و حکمی که از جانب پروردگار نازل شود، به جای تسلیم شدن در برابر آن، دست به تظاهر و ریاکاری می زند و يك گام بر نفاق خود می افزاید. این روح مریض، تمام افکار و اعمال او را، ریاکارانه و منافقانه می کند و این نوعی افزایش مریضی است . که الله تعالی ما و شما را از آن نگاه دارد .

یک تعریف کوتاه از کافر و منافق :

در این هیچ جای شکی نیست که چنانچه به نحوی در بالا گفته آمدیم کافر و منافق با هم متفاوتند، کافر کسی است که قلباً و ظاهراً اسلام را انکار می کند، ولی منافق کسی است که در ظاهر اسلام را پذیرفته و اعلام اسلام می کند و قلباً اسلام را رد و انکار می کند، لذا شخص منافق از کافر عذاب بیشتری خواهد دید زیرا ضرر او بیشتر است. پس نکته مهم در این مطالب اینست که نمی توان حکم نفاق بر مسلمانان صادر نمود، زیرا ما از قلب انسانها نا آگاهیم و به جز الله کسی نمی داند که آیا شخصی که اعلام اسلام نموده در گفته و عمل خود صادق است یا خیانت می کند!

انواع نفاق:

«نفاق» از «نَفَق» به معنای تونل‌های زیرزمینی است که برای استتار یا فرار از آن استفاده می شود. برخی از حیوانات از جمله موش سوسمار، از غار هائی استفاده به عمل می آورند که دارای دوسوراخ اند. خصوصیت منافقان هم همین است، همیشه برای فرار راه های مخفی و پنهانی را برای فرار خود نگاه می دارند، تا به هنگام خطر از آن طریق فرار کند.

نفاق دو نوع است: نفاق عملی و نفاق اعتقادی.

نفاق اعتقادی همان نفاقی است که شخص را کافر می کند و کسی است که در قلب مخالف اسلام ولی در ظاهر موافق آن است!

اما نفاق عملی، همیشه کافر نیست، بلکه ممکن است شخص مسلمانی باشد که گهگاهی مرتکب برخی از اعمال منافقانه می شود، مثلاً زیاد دروغ گفتن نشانه نفاق است و یا کسی که خلاف وعده می کند یا در امانت خیانت می کند، باید از خود بترسد زیرا او نشانه نفاق دارد!

نفاق اعتقادی چیست؟

نفاق اعتقادی که همانا کفر اکبر بوده و شخص را از دایره اسلام خارج می گرداند و آن شش نوع است: تکذیب پیامبر، تکذیب بعضی از آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده، دشمنی، تنفر و کینه با پیامبر صلی الله علیه وسلم، بغض و کینه به بعضی از آنچه که پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده است، خوشحال شدن از شکست دین پیامبر صلی الله علیه وسلم و ناراحت گشتن به خاطر پیروزی و سرفرازی دین پیامبر صلی الله علیه وسلم، و همه این موارد در قلب شخص بروز می کند و شخص اعتقادش را بر مسلمانان مخفی می دارد و لذا به آن نفاق درونی یا اعتقادی گویند.

نفاق عملی:

نفاق عملی که آن را کفر اصغر می گویند: شخص را از دایره اسلام خارج نمی کند، ولی آن جنایتی بزرگ و گناهی عظیم است. طوری که در حدیثی آمده است:

«أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا أُوْتِمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ» بخاری (۳۴)، وصحیح مسلم (۵۸). یعنی: «هر کس این چهار خصلت در او دیده شود، منافق خالص است. و هر کس، در او یکی از این خصلت ها دیده شود، یک خصلت از نفاق دارد مگر زمانی که آن را ترک کند. آن چهار خصلت عبارتند از: ۱. هرگاه، امانتی به او سپرده شود، خیانت می کند. ۲. هنگام

صحبت کردن، دروغ می گوید. ۳. اگر عهد و پیمانی ببندد، پیمانش را می شکند. ۴. هنگام دعوا، دشنام می دهد و ناسزا می گوید».

همچنین می فرماید: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» بخاری (۳۳) یعنی: «نشانه منافق، سه چیز است: اول این که در صحبت های خود، دروغ می گوید. دوم این که خلاف وعده، عمل می کند. سوم این که در امانت، خیانت می کند».

همچنان در حدیثی آمده است: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلْتُ زَوْجَهَا طَلَّاقَهَا مِنْ غَيْرِ بَأْسٍ فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ الرَّاوي : ثوبان مولى رسول الله صلى الله عليه وسلم | المحدث : شعيب الأرنؤوط | المصدر : تخريج صحيح ابن حبان الصفحة أو الرقم: ۴۱۸۴ | خلاصة حكم المحدث : إسناده صحيح على شرط مسلم» (هر زنی که بدون دلیل از شوهرش تقاضای طلاق کند، بوی جنت بر او حرام است.)

همچنین از اسامه بن زید روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من ترك ثلاث جمعات من غير عذر كتب من المنافقين» «کسی که سه جمعه را بدون عذر ترک کند، از منافقان به حساب می آید». طبرانی (۴۲۲) این موارد گاهی از مسلمانان سر می زند و لذا نمی توان چنین حکم نمود که هرکس دارای یکی از آن خصلتهای منافقانه باشد، پس او منافق است، بلکه باید به او متذکر شد که مواظب خود باشد و از خصلتهای منافقانه دوری ورزد تا عقیده اش سالم بماند.

بر این اساس کسی که مسلمان است و شهادتین بر زبان آورده و به ارکان اسلام اعتقاد دارد و به آنها عمل می کند، پس ما حکم به اسلام او می دهیم ولی اگر مرتکب یکی از موارد کفر عملی شد، حکم منافق بر او وارد نمی کنیم، زیرا همانطور که گفته شد:

اولاً، نفاق اعتقادی در قلب است و ما بر قلب انسانها تسلط نداریم و جز الله کسی نمی داند که آیا شخص نفاق اعتقادی دارد یا خیر (مگر آن که خود الله تعالی به بندگان خبر دهد که فلانی منافق است همانطور که منافقان مدینه را به پیامبر صلی الله علیه وسلم شناساند)

دوم، این اعمال موجب کفر اکبر و نفاق اعتقادی نیستند بلکه گناه هستند و اهل سنت و جماعت (بر خلاف عقیده فاسد خوارج) مسلمانان را با انجام گناهان کبیره یا صغیره تکفیر نمی کنند.

ادامه دارد